

■ **امیر دژاکام** سال ۹۹ را چگونه تجربه کرد و زندگی شخصی و حرفه‌ای و اجتماعی‌اش با وجود ویروس کرونا دست به‌گریبان چه چالش‌هایی بود؟

نکته اول تلخی‌های بسیاری بود که مردمم در این یک‌سال متحمل شدند و بی‌شک در این بین و در حوزه کاری و حرفه‌ای هنرمندان تئاتری و درصد بالایی از بچه‌های سینما بشدت روزگار سختی را گذراندند. سال ۹۹ سالی پر از رنج، سختی، تنهایی و بغض‌های فروخورده بود و توأمان سالی بود که با تمام این تلخی‌ها و رنج‌های فردی و اجتماعی و حرفه‌ای می‌باید با تمام قدرت روی پای خود می‌ایستادیم و تحمل می‌کردیم و نمی‌گذاشتیم کرونا و تمام متعلقاتش ما را شکست بدهد. شرح واضحات است که در این یک‌سال لطمه‌های اقتصادی بزرگی به بدنه تئاتر وارد شد و نمونه‌اش را باید در ورشکستگی بسیاری از مؤسسات و تماشاخانه‌ها و مراکز فرهنگی خصوصی دید که متأسفانه نتوانستند دوام بیاورند و از چرخه و حیات هنری، حداقل فعلاً کنار رفتند. به هر صورت سال، سال ساده‌ای نبود و مهم این بود که نباید می‌ترسیدیم و دست روی دست می‌گذاشتیم تا کاملاً مرعوب کرونا شویم. ما هم چنین کردیم و تاحدی که توان داشتیم و نفس، به این عهد ماندیم.

■ **ریسک کار کردن را پذیرفتید و کار کردید و با چالش‌های مالی و غیر مالی درگیر شدید.** آن‌هم زمانی که این سؤال مطرح بود که آیا حتی اگر سالی نباشد و اجرایی، تماشگاری در کار خواهد بود یا نه... آن‌هم برای تئاتر که نفس به نفس تماشاکر زنده است.

حرف اینجاست که کرونا برای من یک آورده بزرگ داشت. بی‌هیچ تعارفی من در زمان همه‌گیری ویروس کرونا به این معنا رسیدم که باید زندگی کرد. پیش از شیوع ویروس انگلیسی با این باور زندگی می‌کردم که شاید هفته دیگر زنده نباشم و به همین دلیل هم کارهایم را با جدیت تمام پیش می‌بردم و از ساعت ۵ صبح بلند می‌شدم و پی کارهایم بودم تا ساعت ۱۱ شب که می‌خوابیدم. هم فیلم بازی کردم هم سریال و هم کار روی صحنه بردم، هم کتاب نوشتم و هم کلاس‌هایم را به صورت آنلاین برگزار کردم. ویروس انگلیسی هم که آمد این

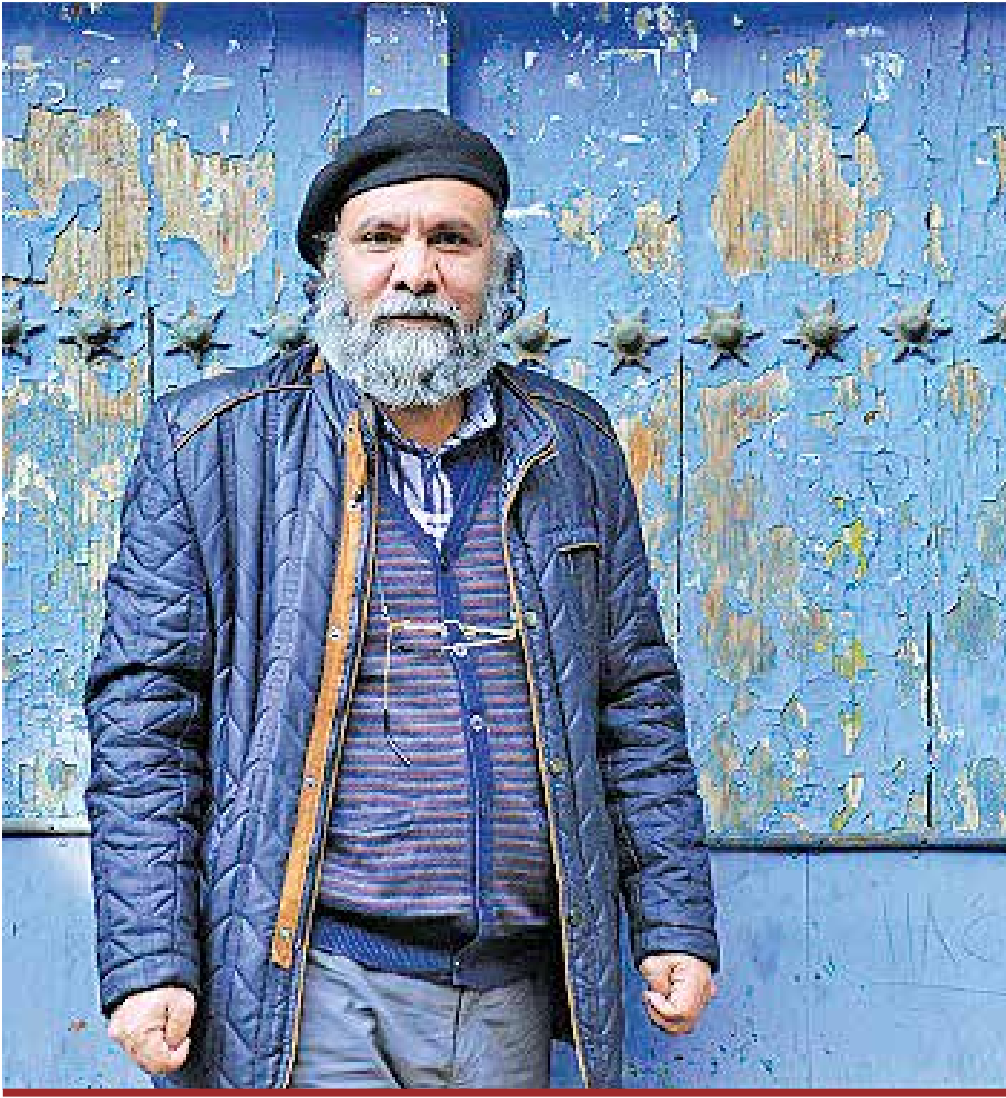
یک هفته را بیست و چهار ساعت کار کردم و گفتم شاید بعد از این مدت زنده نباشم پس نباید بیکار بنشینم. البته این را هم بگویم که در این مدت، بدون ذره‌ای نگرانی و استرس و ترس، کارم را پیش بردم و به آن قول معروف می‌خواستم با تمام دردها و زخم‌هایم تا دم مرگ دودستی به زندگی بچسبم و مدام این شعر سیاوش کسرایی که می‌گوید: «زندگی آتش‌گهی دیرینه پابرجاست» را در ذهن خود داشتم. چون معتقدم که زندگی بسیار با ارزش است و همین که نواهم را می‌بینم و با او بازی می‌کنم، کیف می‌کنم که زنده‌ام یا وقتی کاری را روی صحنه می‌برم و چشم به چشم مردم سرزمینم می‌افتد.

■ **بسیاری معتقدند که زیست تئاتر در دوران کرونا متحول شد و بعد از کرونا ما با تعریفی علیحده از تئاتر روبه‌رو خواهیم بود، تعریفی که سرچشمه گرفته از اتفاقات و چالش‌های دوران گذشته خواهد بود...**

**دورانی که در کرونا تجربه شد.**

به عنوان یک فرد آکادمیک این منطق را باور ندارم و می‌توانم از داعیان این فرضیه بخواهم تعریفی که به نظر آنها به‌وجود آمده و تازه است را ارائه کنند. چنین چیزی نیست. تئاتر در وجوه مختلف فلسفی‌اش، چه کلاسیک، چه مدرن و چه پست مدرن، فصل مشترکی است بین مخاطب و اجراکننده که هر کجا این گروه‌های تئاتری به صورت زنده با هم مواجه شوند آنجا تئاتر تحقق پیدا کرده و اجراکننده عمل نمایش را روایت یا برای مخاطب اجرا می‌کند و مخاطب را به فهم جدیدی می‌رساند. هنوز همین است و همین نیز خواهد بود، نمایش از این سه گونه و شیوه اجرایی خارج نیست، حال بگیریم که تعریف فلسفی ما از تئاتر از شکل کلاسیک‌اش طی ادوار مختلف به تئاتر مدرن و سپس به تئاتر پست مدرن رسیده ولی اصل و اساس موضوع تغییری نکرده است. پس اگر امروز مثلاً تله‌تئاتر یا فیلم‌تئاتر به دلیل شرایط موجود رونق گرفته، این باعث تغییر و تحول نخواهد شد. نکته‌ای که می‌توان اما به آن اشاره کرد چالش اقتصادی

است که تئاتر با آن دست‌به‌گریبان شده و وضع را برایش بغرنج‌تر از گذشته کرده است، چالشی که باعث شده کسانی در بزنگاه‌های مختلف، صرفاً به خاطر درآمدزایی و کسب سودهای آنچنانی با



**آینده تئاتر و چالش‌هایش در گفت‌وگوی «ایران» با امیر دژاکام**

# کسی دوبار از یک رودخانه رد نمی‌شود

محسن روح‌حسینی  
خبرنگار

**امیر دژاکام متولد ۱۳۴۱ در کرمان، بازیگر، کارگردان و مدرس است و «ایوب‌خان» تازه‌ترین کاری بود که او روی صحنه برد، آن‌هم در شرایطی که کرونا همچنان می‌تازد و چالش‌های بسیاری بر سر راه کارگردان و هنرمندان عرصه‌های مختلف هنری به وجود آورده بود. دژاکام کارگردان و نویسنده‌ای تجربه‌گراست که از این تجربه‌های یک‌سال اخیر و کار روی نمایش**



**در باب تئاتر در دوران همه‌گیری**

**کرونا علیه اجتماع تئاتری**

محمدحسین خدایی  
منتقد

تئاتر در این روزهای همه‌گیری بدل به امری ناممکن شده‌است. اجتماع انسانی که ذیل اجراهای تئاتری شکل می‌یافت تا اطلاع ثانوی به محاق رفته و در انتظار ایمنی جمعی از طریق واکسیناسیون نشسته است. براستی که در این واقفای جان و نان، حیات اغلب گروه‌ها به مخاطره افتاده و نفس‌شان به‌شماره. حتی اگر اهالی که با هزار آمار و در سالن‌های دولتی و خصوصی بر صحنه رفتند با دوران رونق فاصله‌ها داشت و ضرورت به اجرا درآمدن‌شان محل بحث و جدل. براستی که هر کمپانی‌های معتبر تئاتری در این دوران پاندمی می‌تواند مسبب مرگ باشد و از دست رفتن عزیز و از دست دادن رفیقی. بنابراین همچنان مهم‌ترین پرسش بی‌پاسخ این خواهد بود که در مقابل این واندسا «چه باید کرد؟» و اصولاً چه می‌توان کرد. دولت و نهادهای مسئولی چون مراکز هنرهای نمایشی، در این وضعیت کرونا و تحریم‌های بین‌المللی، امکان چندانی برای یاری رساندن به افشار مختلف هنرمندان را ندارند. انسان‌هایی آبرومند که بعضی از آنان نزدیک به یک‌سال است خانه‌نشین شده و درآمدی نداشته‌اند. زیاد نبریم که حتی کمپانی‌های معتبر تئاتری در سراسر دنیا از این وضعیت آسیب دیده و گرفتار مشکلات متعددی شده‌اند. وقتی اقتصاد کلان با رشد منفی مواجه می‌شود جای تعجب نخواهد بود که کسب و کارهای کوچک و بزرگ از پا در آیند. اما با تمامی نکات منفی دوران کرونا، یک نکته مثبت را نمی‌توان فراموش کرد و آن حضور جوانانی است که امکان یافتند به شکل عملی نمایشی را روی صحنه اجرا کنند. با آنکه اغلب این اجراهای چنگی به دل نمی‌زد اما همین حضور محدود هم گاه نوبدبخش بود و شاید طلیعه حضور نسل تازه‌ای از اهالی تئاتر، جوانانی که با نوعی مخاطره و دل به دریا زدن، جان بر کف نهاده و تلاش کردند چراغ تئاتر خاموش نشود. به‌هر حال اجرای تئاتر در این وضعیت همچنان امری است پرسش‌برانگیز که چرا یک گروه نمایشی، خطر کرده و ما را به تماشای جهان مخلوق خویش دعوت نموده. آیا قرار است

http://irannewspaper.ir  
editorial@irannewspaper.ir

ضمن تقدیر و تشکر از مردم این نکته را به تأکید به آنها می‌گفتم که حضورشان چقدر برایم بزرگ و باشکوه است. از منطری دیگر باید بگویم چنین مسأله‌ای، بروز و ظهور یک باور مشترک است. گویی ما و تماشاگران به مثابه انسان‌هایی امروزی در دل جامعه‌ای بحران‌زده، تئاتر را یک فعل و فصل مشترک می‌دانستیم که برای رسیدن به فهم مشترک، برای حرمت گذاشتن به زندگی، برای کم کردن از آلام هم به آن نیاز داشتیم و دور آن جمع شدیم و چیز دیگری جز زندگی برایمان مهم نبود. ما اگر چه شاید این نکته را با کلمات به زبان نیاوردیم اما قطعاً خواستیم بگویم که ما زنده‌ایم و نفس می‌کشیم. تماشاگران ما با چشم‌هایشان به ما می‌گفتند در روزگاری که جبر اقتصادی همه را مجبور می‌کند که به نان فکر کنند ما به اندیشیدن هم بهما می‌دهیم و آن را از چرخه زندگی خود حذف نمی‌کنیم. ■ **چشم‌انداز و خواست شخصی و قلبی امیر دژاکام برای بعد از کرونا چیست و چگونه است؟**

اجازه بدهید از این فرصت استفاده کنم و از وزیرمحترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون و مدیرکل، تقاضایی داشته باشم که فکر می‌کنم باید تقاضای تمامی دلسوزان عرصه فرهنگ و هنر باشد. خواسته من این است که ترتیبی اتخاذ کنند تا تمام هنرمندانی که در دوران کرونا با به جان خریدن تمام خطرات، کار روی صحنه بردند، بعد از کرونا هم شرایطی برایشان به‌وجود بیاید که بتوانند آثار خود را روی صحنه ببرند و در این راه، خواسته زیاد و آنچنانی هم وجود ندارد و صرفاً به اختصاص سالن اجرا محدود می‌شود. کسانی مانند حمیدرضا نعیمی، کبهید تاراج، میکائیل شهرستانی و مرتضی شاه‌کرم از جمله این چهره‌ها بودند که چراغ تئاتر را هرطور که بود روشن نگه‌داشتند و اجراهای درخور توجه و خوبی را هم روی صحنه بردند. بعد از کرونا خواسته من این است که به‌جای حمایت از آسپان تئاتر، که بی‌شک به محض طبیعی شدن وضعیت سروکله‌شان پیدا می‌شود، این دلسوزهای واقعی را دریابند و از آنها برای اجراهای مجددی که بی‌شک بسیار مورد استقبال قرار خواهد گرفت، حمایت کنند.

### آینده و هشدار حذف تماشاخانه‌های خصوصی

اولین نکته‌ای که به‌ذهنم می‌رسد به آن اشاره کنم این است که سال ۱۳۹۹ سال بسیار عجیبی بود و واقعاً تجربه من، برای روی صحنه بردن نمایش «اتول سورون»، چیزی کم از تجربه نبود. در طول تمرین، بارها بچه‌های گروه به کرونا مبتلا شدند و به‌ناچار از چرخه کار و تمرین حذف می‌شدند و همین مسأله اساس کار را به هم می‌ریخت و مجبور بودم مسیر را طور دیگری پیش ببرم. واقعاً از این جهت می‌گویم دقیقاً جنگ بود که ما مثل سربازها به تیر بالای کرونا گرفتار می‌شدیم و هر روز و هر هفته تا اجرای جشنواره تئاتر فجر با مشکل و مسأله‌ای روبه‌رو بودیم. دوستانی که در این اجرا کنار من بودند، همگی از بچه‌های کارگاه نمایش هستند و من از اوایل سال به آنها قول داده بودم که هرطوری هست کار را روی صحنه می‌بریم و آنها بشدت مشتاق رفتن روی صحنه بودند و برای چنین روز هم زحمات و سختی‌های زیادی را تحمل کرده بودند و آرزو داشتند که روی صحنه باشند. به‌هر صورت این تجربه عجیب بود و چالش‌هایی که ما و تئاتر ایران با آن روبه‌رو بودیم، به‌نظرم، نه در گذشته آن‌چنان نظیری دارد و نه در آینده شاید با چنین نظایری روبه‌رو شود که ترس از اجرا و آمدن و نیامدن تماشاگر یک طرف و درگیر بیماری از طرف دیگر و تغییر و تحولات فی‌الساعه در اجرا از عوض کردن نقش‌ها تا تیزرینگی بازیگران از سوی دیگر فقط یک نمونه‌اش بود. با این‌همه چه در جشنواره تئاتر فجر امسال و چه در اجراهایی که داشتیم و تا پایان سال ادامه داشت، اما توجه و لطف مردم و منتقدین به نمایش «اتول سورون» بخشی از خستگی ما را به در کرد و استقبال مردم هم واقعاً مرا شرمند خود کرد. شوخی نبود که در چنین شرایطی، مردم عاشق تئاتر قدیم می‌دارند و به سالن نمایش می‌آیند تا تئاتر ببینند. این مردم عزیز از نظر من عاشقان تئاتر هستند و هیچ حرفی نمی‌شود در برابر این همه عشق زد. این وضعیت ما به‌عنوان یک گروه تئاتری در سال ۹۹ بود و احتمالاً گروه‌های دیگر نیز وضعیتی بهتر از ما نداشتند و آنها هم مثل ما مجبور بودند کار کنند. کربن تجربه‌ای علیحده بود که باعث شد عوامل هر نمایشی به اندازه ده‌ها کار تجربه کسب کنند و خانه نشستن برای امثال ما که درآمدی جز تئاتر نداریم و کاری جز این بلد نیستیم راه دیگری وجود ندارد و در آینده هم همین مسیر را پیش خواهیم گرفت و با چالش‌ها روبه‌رو می‌شویم. یکی از نکته‌هایی که برخی می‌گویند این است که کرونا باعث می‌شود تئاتر در آینده با چالش‌هایی ماهوی روبه‌رو شود و تغییراتی داشته باشد اما من چنین اعتقادی ندارم. باور من این است که همه این روش‌هایی که در دوران کرونا روی کار آمد، مثل فیلمبرداری از آثار نمایشی و پخش آن، صرفاً می‌تواند امکانی برای آینده باشد اما اینکه از اساس تئاتر را با تغییرات جدی روبه‌رو کند به‌نظر من چنین اتفاقی نخواهد افتاد. بالاخره این ویروس از بین خواهد رفت و دیر یا زود، همه به‌شرایط طبیعی باز خواهیم گشت و از گذشته‌ای که به سختی پشت سر گذاشتیم، درس‌هایی خواهیم گرفت و این درس‌ها به کوله‌بار تجربه ما اضافه خواهد کرد. نکته نهایی اینکه در یک‌ساله که کرونا تاخت و خسارت‌های بسیار به بار آورد، چند تماشاخانه خصوصی تعطیل شدند که این اتفاقاً واقعاً اتفاق نگران‌کننده‌ای است که این پیام و هشدار را به ما می‌دهد که حذف چنین مکان‌هایی ما را به گذشته‌ای خواهد برد که جوان‌ها علی‌الخصوص برای از اختیار گرفتن سالن، باید مدت‌ها منتظر بمانند و پشت در این سالن و آن سالن، معطل شوند. طی سال‌های گذشته این سالن‌ها و تماشاخانه‌های خصوصی نقش بسیار مهمی را در معرفی و خلق فضا برای بروز و ظهور جوان‌های مستعد و تازه‌نفس تئاتری باز کردند که کم‌بود و فقدان و حتی کم‌شدن‌شان می‌تواند به وضوح به چشم بیاید.



شهرزودل افکار  
کارگردان تئاتر

۲  
پیداداشت